

جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر جرایم خانوادگی^۱

عاطفه عباسی کلیمانی^۲

عطیه رنگچی تهرانی^۳

چکیده

خانواده از نهادهای مهم اجتماعی است که پایه و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد. قانون‌گذار برای مقابله با هر عمل مجرمانه‌ای ملزم به پیش‌بینی واکنش اجتماعی مناسب است؛ لذا رویکرد انسانی به اعمال کیفر و کاهش توسل به مجازات، یا همان اتخاذ سیاست کیفرزدایی می‌تواند یکی از راه‌های تحقق این مهم باشد. پژوهش حاضر به جلوه‌های کیفرزدایی در جرایم خانوادگی پرداخته و ثابت کرده است که به تعویق و تعلیق انداختن صدور حکم، استفاده از جایگزین‌های حبس، نظام آزادی مشروط و نیمه‌آزادی، نهادهایی هستند که می‌توانند مبانی و اهداف اتخاذ سیاست کیفرزدایی را محقق گردانند. زمینه اصلی بحث ما قلمرو جرایم تعزیری است و کیفرهای حدود و قصاص و دیات از بحث کیفرزدایی خارجند. با توجه به کارآیی کیفرزدایی، اجرای این سیاست می‌تواند آثار منفی مجازات‌ها را کاهش دهد و شرایط لازم را برای حفظ روابط خانوادگی فراهم آورد.

واژگان کلیدی

کیفرزدایی، سیاست جنایی، جایگزین‌های حبس، جرایم خانوادگی، مجازات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات حقوقی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۱

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران

atefhabbasi@isu.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران،

(مسئول)

(نویسنده)

ایران

a.r.tehrani94@gmail.com

مقدمه

کیفرزدایی جنبش نوینی است که به دنبال تعدیل و متناسب کردن خاصیت کیفری مجازات و یا سلب وصف جزایی از یک رفتار مجرمانه و جایگزین کردن اقدامات غیرکیفری (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴، ص ۱۴) در جهت اصلاح و تربیت مجرم (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۲۴) است. این سیاست مبتنی بر اندیشه ناتوانی عقوبت در اصلاح و تربیت مجرم و پیشگیری از جنایت است (محیانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). به طور کلی واکنش کیفری علیه جرایم شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند. در این نوشتار، اقدامات تأمینی و تربیتی از حوزه بحث خارج است. رفتارهای مجرمانه نیز آن دسته از رفتارهایی هستند که در محیط‌های خاص نظیر خانواده واقع می‌شوند و بعضاً روابط خانوادگی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهند. قانون‌گذاران می‌کوشند با تعیین مجازات از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری کنند. نوع سیاست اتخاذی در این زمینه می‌تواند اثرات مثبت و منفی در پی داشته باشد؛ به صورتی که مداخله کیفری ناموجه در برخی حوزه‌ها بالاخص نهاد خانواده موجبات فروپاشی آن را فراهم می‌آورد. لذا استفاده از چنین سیاستی در حوزه خانواده و انعطاف در مجازات‌ها برای اعضای آن، جهت حفظ کانون خانواده نقش بسزایی دارد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مصادیق فراوانی از سیاست کیفرزدایی را (نظیر جایگزین‌های حبس) پیش‌بینی کرده و گام مهمی در این زمینه برداشته است که ضرورت بررسی و تطبیق آن با حوزه خانواده را دو چندان می‌نماید. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که ضمن بررسی مبانی کیفرزدایی و تعیین محدوده اعمال آن، سازوکارهای پیش‌بینی شده این سیاست را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در محدوده جرایم خانوادگی تبیین نماییم.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- کیفرزدایی

واژه "کیفر" از لحاظ لغوی عبارت است از مکافات، جزا و مجازات (معین، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴). از لحاظ حقوقی، عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم اعمال می‌شود و توأم با

رنج و تعب است(گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۷). در اصطلاح حقوقی، کیفر زدایی عبارت است از نوعی مداخله و تدبیر اجتماعی که جایگزین کیفر می‌گردد؛ ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

۲- سیاست جنایی

سیاست در لغت به مفهوم اداره کردن امور مملکت، اصلاح امور خلق، رعیت‌داری و مردم‌داری است(عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶۶). در اصطلاح حقوقی، منظور اقدام و تدبیر است(جعفری نگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۸۴). اما اصطلاح سیاست جنایی، مجموعه شیوه‌ها و ابزارهای جزایی و سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد(لازرژی، ۱۳۷۵، ص ۹). سیاست جنایی در مفهوم مضیق آن همان سیاست جنایی در شکل تنبیهی و سرکوبگر است و در مفهوم موسع خود علاوه بر اقدامات سرکوبگر کیفری، شامل تدابیر پیش‌گیرنده جنایی نیز می‌شود(کامیاب، ۱۳۸۰، ص ۱۴). به‌طور کلی سیاست جنایی در تقسیم‌بندی حقوقی ایران مبتنی بر تعالیم شریعت اسلام است و از این نظر دین به منزله یک نهاد اجتماعی تلقی نمی‌شود؛ بلکه جوهر اجتماع و منشأ قانون است(نجفی توانا، ۱۳۸۶، ص ۶).

۳- جایگزین‌های حبس

در قرن بیستم جنبش دفاع اجتماعی ابتدا الغای نظام کیفری(حاجی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶، ص ۳۹) و خصوصاً کیفر حبس را شعار خود ساخت؛ اما در برابر مقاومت‌ها و نیز واقعیت‌های خارجی تعدیل شد(صفاری، ۱۳۶۶، ص ۱۷). جایگزین بدین معناست که قانون‌گذار در قانون کیفر حبس را کنار گذاشته و کیفرهای غیر سالب آزادی را قرار داده است(تدین، ۱۳۸۱، ص ۲۱).

در این مقاله جلوه‌های کیفرزدایی که به شکل یک تدبیر اجتماعی غیر کیفری، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متجلی گشته‌اند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی کیفرزدایی

مبانی جمع مبناست که در اصطلاح فلسفه حقوق، به معنای علت و منشأ مشروعیت حقوق، کیفرها و قواعد آنها به کار می‌رود. قواعد حقوقی و کیفری، مشروعیت و الزام‌آور بودن خود را از یک سلسله مبانی اخذ می‌کند. مبانی حقوق از نظر آنان، همان ریشه‌ها و پایه‌های پنهان حقوق و کیفر تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۵۹، ص ۲۱).

۱- اصل فردی کردن واکنش اجتماعی

اصل فردی کردن مجازات‌ها عبارت است از اعمال و اجرای مجازاتی متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی فرد مرتکب که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی یا خصوصیات مجنی‌علیه، از طرف مقنن پیش‌بینی شده و از سوی قوه قضائیه و مجریه به منصفه ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد، منجر به تشدید، تخفیف یا تعلیق مجازات گردد (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۴). البته باید مجازات‌ها منطبق با شخصیت، موقعیت اجتماعی و حالات روانی مجرم اعمال شود و تا حد امکان وی را به عواقب اعمال خود آگاه سازد. مهمترین فایده آن، همان ممانعت از تکرار جرم و دوباره آلوده شدن مرتکب است (همان، ص ۷). لذا در سیاست جنایی امروزی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها روند انعطافی خاصی در جهت کیفرزدایی و فردی کردن مجازات‌ها به منظور حمایت از کرامت انسانی شخصیت بزهکار و بازسازی اجتماعی او در پیش دارد (شاگری، بی تا، ص ۱۲).

۲- بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم

مراد از بازدارندگی، اتخاذ تدابیری است که از جرم انصراف ایجاد کند. از این دیدگاه، دو نوع بازدارندگی در حقوق جزا مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم‌شناسی به آن پیشگیری کیفری عام و خاص گویند. پیشگیری عبارت است از به جلوی تبهکاری و ناهنجاری رفتن به منظور ممانعت از وقوع جرم (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۷). پیشگیری کیفری عام، بر جنبه ارباب‌آور مجازات‌ها تکیه می‌کند که ناظر به کل شهروندان است و مخاطب آن همه اعضای جامعه است (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۶۷). پیشگیری کیفری خاص، مخاطبش بزهکار است و

هدف از آن، پیشگیری از تکرار جرم و بزهکاری مکرر است و اصلاح مجرمان را مدنظر دارد. در بازدارندگی خاص، معیار، کاهش تکرار جرم است و معیار در بازدارندگی عام، کاهش بزهکاری اولیه است/شیری، ۱۳۸۶، ص ۱۷). شایان ذکر است که هنگام سخن از پیشگیری، مقصودمان بهره‌گیری از مفهوم موسّع آن است؛ یعنی طیف وسیعی از تدابیر کیفری و غیر کیفری که در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری صورت می‌گیرد/معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳). پیشگیری غیر کیفری عبارت است از: اقدام مناسب غیر کیفری که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی‌سازی علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه است/شیری، ۱۳۸۶، ص ۱۸-۱۹).

اما پیشگیری کیفری (واکنشی یا پسینی) ناظر به اقدامات کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره‌گیری از سازوکارهای نظام عدالت کیفری در صدد کاهش بزهکاری است.

۳- اصلاح و درمان مرتکب در راستای بازپروری وی

اصلاح به معنای بهسازی مجرم، جلوگیری از کج‌روی و فرو افتادن دوباره وی در گرداب تبه‌کاری است/پرادل، ۱۳۸۱، ص ۶۰). دستیابی به هدف حقیقی کیفر، یعنی دفاع از جامعه جز از راه دفاع از افراد آن شدنی نیست. بدین سان، دفاع واقعی از جامعه، تنها در پرتو اصلاح مجرمان، چاره‌اندیشی برای ورود دوباره آنان به گروه غیر بزهکار و از میان بردن زمینه‌های رخداد بزهکاری، دست یافتنی است/صانعی، ۱۳۸۲، ص ۷۶). برخی بازپروری را عمل تربیت و اصلاح بزهکاران و آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه تعریف کرده‌اند/انوری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷۵؛ اما هدف از بازپروری مجرم، بهبود اخلاقی او نیست و صرف بازگشت به زندگی عادی کافی است/براهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴).

پس اصل فردی کردن واکنش اجتماعی، بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم و اصلاح و درمان مرتکب در راستای بازپروری وی مبانی کیفرزدایی را تشکیل می‌دهند. با بررسی جلوه‌های کیفرزدایی در قوانین موضوعه کیفری، می‌توان دریافت که هر یک از آنها کدام یک از مبانی فوق را تأمین می‌کنند.

محدوده اعمال سیاست جنایی کیفرزدایی

امروزه یکی از چالش‌های اساسی در بحث قوانین، این است که توسل بیش از حد به ضمانت اجرای کیفری، باعث محدود شدن آزادی‌های افراد شده است. در این میان، کیفرزدایی، بیش از سایر سیاست‌های عقب‌نشینی نظام کیفری، مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵)؛ زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زوده شده است، محظورات و محدودیت‌های کمتری نسبت به سایر سیاست‌ها دارد. در نگاه اول شاید نتوان ارتباطی هر چند کوچک و ضعیف میان سیاست کیفرزدایی و سیاست جنایی اسلام در منطقه حدود پیدا کرد؛ زیرا در نگاه ابتدایی میان جرایمی که مجازات‌های سنگینی همچون اعدام، صلب، حبس ابد، رجم و تازیانه دارند و در مورد مرتکبان آن‌ها هیچ‌گونه تخفیف و تعلیقی اعمال نمی‌شود. بی‌شک نه می‌توان منکر شدت و سنگینی مجازات‌های جدی شد و نه از کم اهمیت بودن ارزش‌های مورد حمایت این کیفرها سخن راند؛ لیکن این تمام مسأله نیست و تنها بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. در ترسیم یک سیاست جنایی، نباید تنها به ذکر جرایم و مجازات‌ها اکتفا کرد؛ بلکه باید شرایط اعمال، تخفیف، تعلیق و سقوط آن‌ها را به خوبی تجزیه و تحلیل کرد. در خصوص مجازات‌های حدی نیز چنین است (فروزش، ۱۳۸۶، ص ۸۲). شاید به زبان راندن این سخن چندان آسان نباشد؛ ولی باید پذیرفت که عده‌ای از فقها قایل به عدم جواز اجرای حدود در عصر غیبت گردیده‌اند. در حقیقت اندیشه آن‌ها مبنی بر تعطیلی اجرای حدود در زمان غیبت است (محقق داماد، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۸۱). در هر حال، اگر چه مجازات‌های حدی از سنگینی و شدت خاصی برخوردار است ولیکن اسلام اولاً در پی از بین بردن زمینه‌های ارتکاب چنین جرایمی است و می‌کوشد با اقناع امیال نفسانی و با توجه به محیط پیرامونی، از ارتکاب چنین جرایمی جلوگیری کند (فروزش، ۱۳۸۶، ص ۸۴)، در ثانی با آن‌که آموزه‌های اسلامی به طور کلی بر حفظ عفت و پاکدامنی فراوان تأکید می‌نماید، اما در زمینه کشف و اثبات جرم جنسی حساسیت چندانی ندارند (مقدس‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). از طرف دیگر، مطابق جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، قاضی دادگاه نمی‌تواند بدون توجه به نظر شاکی خصوصی

(اولیای دم)، حکم به قصاص یا تبدیل آن به دیه کند. لذا در این نوع مجازات‌ها، علاوه بر این که انعطاف کمتری دارند، نقش بزه‌دیده نیز پررنگ است (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

تعزیرات نیز، آن دسته از مجازات‌هایی هستند که چندان چهارچوب و ضابطه‌ای برای آن‌ها در شرع مقرر نشده است (حبیب زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۴). در تعزیرات، علاوه بر نوع و شدت و ضعف جرم ارتكابی، ویژگی‌های شخصیتی بزه‌کار (از قبیل سن، جنس، قوت بدنی، وضعیت روانی، موقعیت اجتماعی و سوابق رفتاری)، ضرورت ترمیم صدمات وارد بر بزه‌دیده در حقوق الناس و نیز لحاظ مصالح اجتماعی از جمله ملاک‌هایی است که دادرس مکلف است به اجتهاد کارآمدترین واکنش به منظور تادیب و تربیت متخلف و مجرم بپردازد (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱). لذا با توجه به بررسی ویژگی‌های تعزیرات، این مجازات‌ها انعطاف لازم را در جهت برقراری سیاست کیفرزدایی دارا هستند؛ چنان‌که تمامی مصادیق و جلوه‌های کیفرزدایی نظیر آزادی مشروط و تعلیق و تعویق صدور حکم، ویژه مجازات‌های تعزیری می‌باشند و بدین ترتیب می‌توان چنین استنباط کرد که محل اصلی جریان سیاست کیفرزدایی در تعزیرات است.

مجازات جرایم ارتكابی در حوزه خانواده

وجود سه شاخص عمده در نهاد خانواده، یعنی ارزشی بودن، عاطفی بودن و پنهان بودن حریم خانواده، این کانون را از سایر نهادهای اجتماعی متمایز می‌سازد؛ لذا تعیین واکنش کیفری در حوزه خانواده نیازمند در نظر گرفتن دو شاخصه بازدارندگی بیشینه (اسدی، ۱۳۹۱، ص ۴۱) و اخلال کمینه ریاضت، ۱۳۹۰، ص ۵۸) است. قانون‌گذار، به منظور جرم‌انگاری متعادل لازم است که افزون بر مجازات بزه‌کار و حمایت از بزه‌دیده، به تبعات آتی ارتكاب جرم و اعمال مجازات بر کانون خانواده به‌ویژه برای بزه‌دیدگان غیرمستقیم توجه داشته باشد (اسدی، ۱۳۹۲، ص ۵۷). با این بررسی اجمالی می‌توان دریافت که سیاست جنایی قانون‌گذار در برخورد با جرایم مرتبط با حوزه خانواده متفاوت است. گاهی به خاطر حفظ نظم عمومی، بزه‌کار را مجازات می‌کند و گاه به خاطر حفظ کیان خانواده، از مجازات او درمی‌گذرد یا آن را کاهش می‌دهد و گاهی هم به خاطر مصلحت حفظ کیان خانواده، شخص را مجازات می‌کند (داوودی،

۱۳۸۹، ص ۵۴). اما در مجموع، می‌توان اغلب مجازات‌های حوزه جرایم خانوادگی را در تعزیرات خلاصه کرد. این امر، سبب اعمال بیشتر سیاست کیفرزدایی در جرایم خانوادگی است؛ لذا برای تعیین جرایم خانوادگی مشمول سیاست جنایی کیفرزدایی، مختصراً معیارهایی را به شرح ذیل تبیین می‌نماییم:

۱- حفظ مصالح خانواده

در تشخیص مصالح خانوادگی باید به عرف مراجعه کرد. در تعریف مصلحت خانوادگی گفته شده است: اموری با مصالح خانوادگی منافی است که سبب سستی بنیان آن یا اخلال در نگاهداری و تربیت فرزندان یا حیثیت اجتماعی زن و شوهر یا برهم زدن نظم اقتصادی خانواده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳). لذا جرم‌انگاری جرایم علیه خانواده، گاهی به منظور حمایت از کیان و قداست خانواده صورت می‌گیرد و گاهی به منظور حفظ نظم عمومی. البته بیشتر امتیازات و مدارا با متهم دارای خانواده، در مرحله اجرای مجازات صورت می‌گیرد تا حتی‌الامکان از تسری آثار نامطلوب مجازات به خانواده وی جلوگیری شود (داوودی، ۱۳۸۹، ص ۵۱). به‌عنوان مثال، از آثار سوء حبس که خانواده را نیز متأثر می‌سازد، قطع ارتباط متهم با خانواده، احتمال متلاشی شدن آن و از دست دادن سرپرست و مسئول تأمین معاش خانواده است که طراحی و ابتکار مجازات‌هایی چون حبس خانگی و کار عام‌المنفعه به همین منظور صورت پذیرفته است.

۲- اثربخشی نقش متضرر جرم در تعیین واکنش اجتماعی

عامل گذشت بزه‌دیده بیشتر در جهت اعمال سیاست قضازدایی و عدالت ترمیمی قابل تحقق است؛ البته با توجه به این که تنها در جرایم غیرقابل گذشت، گذشت شاکی موجبات تخفیف را فراهم می‌کند. لذا تبیین جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت در اعمال کیفرزدایی از طریق تخفیف مجازات، حائز اهمیت است.

۳- کیفیت ارتکاب جرم (تخفیف و تبدیل مجازات)

کیفیات تخفیف دهنده مجازات‌ها عبارتند از: «کیفیات مخففه قانونی» که به حکم قانون و به دلایلی که قانون‌گذار تشخیص می‌دهد، میزان مجازات بزه‌کار را تقلیل می‌دهند. ویژگی این دسته از کیفیات یا معافیت‌های آن است که قاضی به مجرد حصول یقین، مکلف است در اعمال آنها اقدام نماید و «کیفیات مخففه قضایی». این کیفیات زمانی اعمال می‌شود که دادگاه‌ها به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر در قانون را برای مجرم، سنگین و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری تشخیص می‌دهند/رایجیان اصل، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳. همچنین مطابق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد، تقلیل دهد یا تبدیل کند. لذا ماده ۳۸ همان قانون نیز جهات تخفیف را بیان کرده است. عامل خانواده برخلاف سابق، در قانون مجازات جدید، در موارد متعددی به عنوان یک کیفیت مخففه معرفی شده است. البته در برخی جرایم خاص، قانون‌گذار خود، وجود برخی روابط خانوادگی یا علقه خویشاوندی را سبب تشدید، اسقاط، تغییر، تخفیف مجازات یا معافیت از آن دانسته است. مواردی نظیر قتل و سرقت و کذب فرزند توسط پدر و جد پدری، از جمله معافیت اعضای خانواده در جرایم حوزه خانواده هستند؛ اما در مورد تخفیف مجازات در جرایم به دلیل وجود رابطه خانوادگی می‌توان به ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی^۱ ۱۳۷۵ اشاره کرد. این ماده، مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت را مورد توجه قرار داده است؛ اما تبصره این ماده قرابت درجه اول بین متهم و مرتکب را از موارد تخفیف مجازات تا نصف حداکثر تعیین شده قرار داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند، از قبیل این که برای او منزل تهیه کند... حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

۴- ملاک‌های شرعی (حق الناس و حق الهی)

حق الله، حقی است که صرفاً متعلق به خداوند است، یا حق خداوند در آن، بر حق افراد غلبه دارد و حق الناس حقی است که شارع یا قانون‌گذار، آن را برای فرد یا افراد خاصی مقرر داشته است که در پرتو آن استحقاق استیفای منفعت، اعم از مادی یا معنوی، پیدا می‌کند و قابل صلح و اسقاط نیز می‌باشد (سرافیلیان، ۱۳۸۰، ص ۶۸). این شاخصه در جرایم خانوادگی نیز قابل ملاحظه است؛ زیرا برخی از آنها مانند زنا یا محارم (جرایم دارای مجازات حدی)، حق الله هستند و برخی دیگر مانند خشونت خانگی زیر مجموعه جرایم حق الناسی قرار می‌گیرند. لذا می‌توان برای اعمال سیاست کیفرزدایی، جرایم حق الناسی را که دارای مجازات تعزیری هستند، ملاک قرار دهیم.

به طور کلی می‌توان گفت، جرایم خانوادگی دارای ملاکات فوق، در صورتی که مجازات تعزیری داشته باشند، گزینه بسیار مناسبی برای اعمال سیاست کیفرزدایی هستند؛ لذا برای اعمال این سیاست، نظام قضایی چاره‌ای ندارد جز آن که از یکی از نهادهای ذیل استفاده کند:

جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در این قسمت ضمن بررسی مفهوم و ماهیت نهادهای آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و... به تبیین شرایط اعطا و تشریفات اجرایی آنها نیز پرداخته می‌شود تا همخوانی و مطابقت شان با سیاست جنایی کیفرزدایی اثبات گردیده و به عنوان یکی از شیوه‌های اجرایی کیفرزدایی معرفی گردند.

۱- نظام آزادی مشروط

در هیچ یک از قوانین مجازات اسلامی (جدید و قدیم) تعریفی از آزادی مشروط به عمل نیامده است؛ گرچه حقوق‌دانان آزادی مشروط را فرصت یا مجالی می‌دانند که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می‌شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند، از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورات دادگاه را به موقع اجرا

گذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند/ردبیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). در این صورت، قانون آزادی مشروط توانسته است هم مجرم را که جرمی مرتکب شده است به کیفر اعمالش برساند، و هم یکی از ویژگی‌های کیفر را که ارباب و ترس و تحقیر است، به مورد اجرا درآورد؛ لذا فردی که در مدت حبس اصلاح شده باشد، دیگر نیازی به ادامه مجازات ندارد و می‌تواند در محیط اجتماعی بیشتر از محیط زندان رشد و پیشرفت کند/زرعت، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار از طریق این نهاد به دنبال اصلاح، درمان و بازسازی مجرمان بوده است.

۲- نظام نیمه‌آزادی

قانون‌گذار در قانون سال ۱۳۹۲ نظام نیمه‌آزادی را مورد توجه قرار داده و در ماده ۵۶، به صورت زیر تعریف کرده است: نظام نیمه‌آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزشی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد. این راهکار با سیاست جنایی اسلام نیز مطابقت دارد؛ زیرا بسیاری از فقها، اشتغال بزهکار زندانی را جایز دانسته‌اند؛ البته این اشتغال مخصوص درون زندان یا ویژه بدهکاران نیست/بهری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۲.

۳- جایگزین حبس

نظر به این که کیفرها نمی‌توانند جوابگوی تمنیات اجتماعی باشند، باید به تدابیر پیشگیری متوسل شد که جایگزین کیفرها گردند/گسن، ۱۳۸۴، ص ۲۷. این جایگزین‌ها در ابتدا به عنوان «جایگزین‌های زندانهای کوتاه مدت» مطرح/آشوری، ۱۳۸۲: ۴۶) و به تدریج گسترده و متنوع شدند و امروزه طیف وسیعی دارند/ردبیلی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶. این جایگزین‌ها مطرح شده‌اند تا موجبات اصلاح و بازپروری مجرم را فراهم آورند/نجفی/برندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۹. می‌توان جایگزین‌های حبس را از یک نگاه به سنتی و نوین تقسیم کرد. از موارد جایگزین‌های سنتی می‌توان به جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و از جایگزین‌های نوین نیز می‌توان حبس

خانگی، خدمات عام‌المنفعه، دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی را نام برد (شوری، ۱۳۸۲، ص ۴۵۰).

۴- تعلیق صدور حکم

تعلیق اجرای مجازات از جمله شیوه‌های سنتی جایگزین مجازات حبس است که در قانون‌گذاری ایران سابقه تاریخی دارد؛ اما قانون‌گذار با در نظر گرفتن نظام تعویق و تعلیق مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گام اساسی را در زمینه نزدیک شدن به سیاست عدالت ترمیمی برداشته است. نهاد تعلیق به تعلیق مراقبتی و ساده قابل تقسیم است (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳). در تعلیق مراقبتی، محکوم‌علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می‌گردد که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است (ربیعی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۷). از فرایند تعلیق مجازات، می‌توان به اهدافی نظیر، ترمیم زیان‌ها و خسارات مالی بزه‌دیده، ترمیم لطمات جسمانی و روانی، احیای حس اعتماد و اطمینان و امنیت بزه‌کار و بزه‌دیده مسؤولیت‌پذیری آگاهانه بزه‌کار امیدوار بود (ربیعی، ۱۳۸۱، ص ۹۰). کارکردهای اصلی تعلیق مراقبتی که پیرامون هدف بازپروری وجود دارند، شامل کنترل جرم، بازسازی و بازپروری اجتماعی تنبیه، بازدارندگی و ارعاب، تهیه گزارش پیش از محکومیت است (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷)؛ لذا مطابق با ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید، دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای مذکور در ماده فوق در مدت تعویق، ملزم نماید.

۵- تعویق صدور حکم

مطابق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی جدید، در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایطی صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد. نهاد تعویق صدور حکم تا پیش از این، هیچ سابقه‌ای در متون قانونی و فقهی ندارد (بخشی زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۱). این نهاد در جهت سیاست تفرید مجازات‌ها در مرحله دادرسی گام برمی‌دارد. به این

ترتیب، دادگاه با ملاحظه وضعیت فردی و اجتماعی و همچنین اوضاع و احوالی که شخص مرتکب جرم شده است، این اختیار را دارد که با اعمال این نهاد، در تعیین کیفر برای مجرم شتاب نکند/نجفی/برندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰). نهاد تعویق صدور حکم نیز به دو دسته ساده و مراقبتی قابل تقسیم است. در دوره تعویق آزمایشی، مجرم دارای آزادی مطلق نیست؛ بلکه دادگاه می‌تواند وی را به اجرای تدابیر یا دستورهایی که بیشتر جنبه تأمینی و بازدارنده دارد، مکلف کند. هدف اصلی از دستورهای دادگاه نیز کنترل و نظارت بر رفتار مجرم در طول دوره آزمایشی است (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴).

یافته‌های پژوهش

امروزه تزلزل خانواده‌ها در اثر انتخاب نادرست سیاست جنایی مناسب در پاسخگویی به پدیده‌های مجرمانه، یکی از چالش‌های اساسی در نظام قضایی کشور ما محسوب می‌شود و توجه به مبانی سیاست کیفرزدایی در جهت اتخاذ بهترین شیوه تعیین مجازات و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، ضروری به نظر می‌رسد. البته در راستای کیفرزدایی با هدف بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم، اصلاح و درمان مجرمان و ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی اعضای خانواده، در قانون مجازات اسلامی نهادهایی نظیر جایگزین‌های حبس، تعلیق و تعویق به رسمیت شناخته شده است؛ زیرا این نهادها در محدوده مجازات تعزیری قابلیت اجرایی دارند که با ماهیت جرایم خانوادگی همخوانی بیشتری دارد. به نظر می‌رسد به وجود آوردن بسترهای مناسب برای آوردن قضات به استفاده از سیاست جنایی کیفرزدایی، بتوان گام مهمی در اجرایی ساختن کیفرزدایی برداشت. می‌توان با برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی، ضمن توجیه کردن نهادهای مذکور و تأکید بر اهمیت اعمال آن در نهاد خانواده، و بررسی نتایج به دست آمده از به کارگیری این سیاست در سایر کشورها، به تغییر دیدگاه قضات در زمینه سزادهی مجرمان دست یافت تا بیشتر در صدد درمان و پیشگیری مسائل و معضلات اجتماعی برآیند و در همین راستا قضات زمینه برخورداری مجرمان از چنین امتیازاتی را فراهم آورند. با تمهیداتی که قانون مجازات اسلامی جدید در نظر گرفته است، اجرای این پیشنهادها عملی به نظر می‌رسد.

منابع

- آشوری، محمد، *جایگزین‌های زندان - مجازات‌های بینابین* (۱۳۸۲)، تهران، نشر گرایش، چاپ اول
- آنسل، مارک، *دفاع اجتماعی* (۱۳۷۵)، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم
- آقایی جنت‌مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی (بر اساس لایحه مجازات اسلامی)* (۱۳۹۰)، تهران، جنگل جاودانه، چاپ اول
- ابراهیمی، شهرام، «بازپروری عادلانه مجرمان» (۱۳۹۱)، *آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳*
- ابهری، محمدعلی، *اسلام و دفاع اجتماعی* (۱۳۷۷)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی* (۱۳۸۱)، نشر میزان، چاپ چهارم
- اسدی، لیلا، «ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده و کیفیت تأمین الزام‌آوری قواعد در این حوزه» (۱۳۹۲)، *فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۳*
- همو، *درسنامه حقوق کیفری خانواد* (۱۳۹۱)، تهران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول
- اسرافیلیان، رحیم، *جرایم قابل گذشت از دیدگاه حقوق کیفری اسلام* (۱۳۸۰) تهران، میزان، چاپ اول
- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن* (۱۳۸۶)، تهران، بی‌جا، چاپ چهارم
- بخشی‌زاده اهری، امین، *تحولات و رویکردهای نوین* (۱۳۹۲)، تهران، اندیشه عصر، چاپ چهارم
- پرادل، ژان، *تاریخ اندیشه‌های کیفری* (۱۳۸۱)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت، چاپ اول
- تدین، عباس، *تقریرات در جرم‌شناسی علی حسین نجفی ابرند آبادی* (۱۳۸۱)، کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

جعفری لنگرودی، محمد، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (۱۳۷۸)، تهران، گنج دانش، چاپ

اول

حاجی تبار، حسن، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران» (۱۳۷۸)، مجله

حقوقی دادگستری، شماره ۶۴

حبیب‌زاده، محمد، قانون‌مداری در قلمرو حقوق کیفری ایران (۱۳۸۶)، تهران، نشر دادگستر،

چاپ دوم

داوودی، هما، «تأثیر عامل خانواده بر تعیین و اجرای مجازات» (۱۳۸۹)، دوفصلنامه علمی -

ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال پانزدهم، شماره ۵۳

رایجیان اصل، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات خط، چاپ اول

رضایی، غلامحسین، راهبردهای تعلیق و تعویق در فرآیند کیفری (۱۳۸۹)، تهران، میزان،

چاپ اول

ریاضت، زینب، سیاست جنایی در قبال جرایم علیه خانواده (۱۳۹۰)، دوره کارشناسی

ارشد دانشگاه آزاد اسلامی

زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی (۱۳۸۴)، تهران، ققنوس، چاپ

شانزدهم

شاکری گلپایگانی، طوبی، «فقه جزا و سیاست جنایی» (بی‌تا)، فصلنامه کتاب زنان، چاپ

اول

صادقی، محمدهادی، حقوق جزای اختصاصی جرایم علی اشخاص (۱۳۸۷)، تهران، نشر

میزان، چاپ شانزدهم

_____ «نقش توبه در حدود و تعزیرات» (۱۳۹۲)، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال

چهاردهم، شماره ۲

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی (۱۳۸۲)، تهران، طرح نو، چاپ اول

صفاری، علی، کیفرشناسی (۱۳۶۶)، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول

عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه

المعارف الاسلامیه

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمی (۱۳۸۱)، تهران، امیرکبیر، چاپ دوازدهم
- فرج‌اللهی، رضا، «شخصی کردن قضایی مجازات» (۱۳۸۹)، ماهنامه *دائرسی*، شماره ۸۰، ص ۱۲
- فروزش، روح‌الله، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی و خانواده (۱۳۷۶)، تهران، بهمن برنا، چاپ پنجم
- _____، فلسفه حقوق (۱۳۵۹)، تهران، انتشارات بهمنشیر، چاپ دوم
- کاظمی، سجاد، «تیلورقاعده انصاف دراصل فردی کردن مجازات‌ها» (۱۳۹۱)، فصلنامه *تعالی حقوق*، شماره‌های ۱۶ و ۱۷
- کامیاب، حسین، جنبه‌های سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر (۱۳۸۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)
- کلارکسون، تحلیل مبانی حقوق جزا (۱۳۷۴)، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ دوم
- گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی (۱۳۸۴)، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات سلسبیل، چاپ اول
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، «کیفرشناسی فایده‌گرا» (۱۳۸۴)، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۴۴
- لازرژ، کریستین، سیاست جنایی (۱۳۷۵)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، یلدا، چاپ اول
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی) (۱۳۸۳)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهارم
- محيانی، امیر، کیفرزدایی در سیاست جنایی ایران (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران

- معین، محمد، فرهنگ فارسی متوسط (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول
- مقدسسی پور، علی، «روش‌های برخورد تربیتی با مجرم» (۱۳۸۹)، ماهنامه معرفت - ویژه‌نامه تربیتی، شماره ۹۲
- مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن (۱۴۲۵هـ)، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، دانشنامه جرم‌شناسی (۱۳۷۷)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول
- _____ تقریرات درس حقوق کیفری عمومی ۲ (اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان) (۱۳۷۹)، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی
- _____ «حبس خانگی» (۱۳۸۰)، فصلنامه مدرس، دوره ۵، شماره ۴
- _____ «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»، (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان تهران، میزان
- یزدیان جعفری، جعفر، «اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر» (۱۳۸۵)، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱